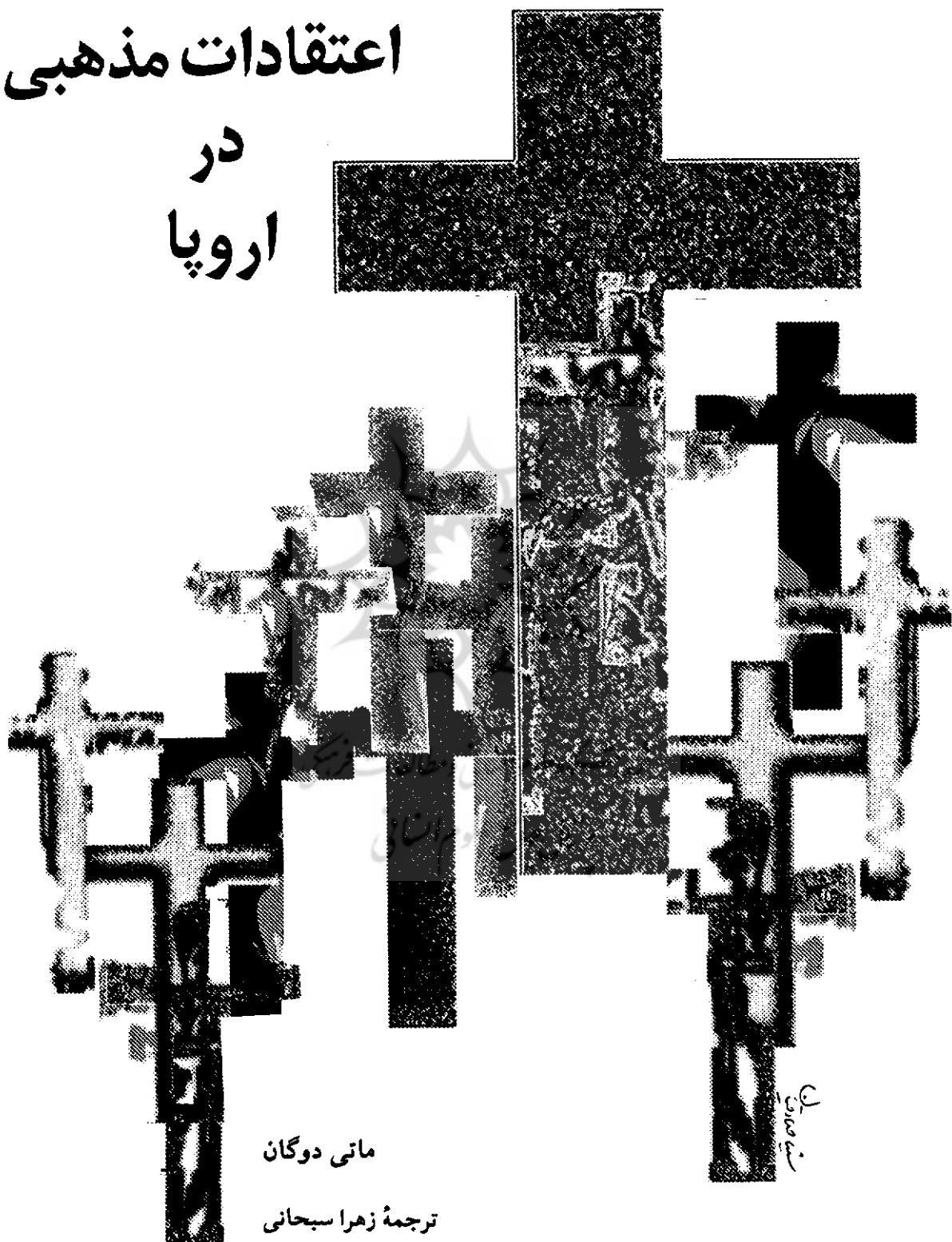


# زوال اعتقادات مذهبی در اروپا



ماتی دوگان

ترجمه زهرا سبحانی

## مقدمه

از دیدگاه پژوهشی اعتقاد به خدا، موضوعی جذاب در بسیاری از کشورهای جهان است. امروزه موضوع‌های: زوال ایمان، بی‌اعتقادی به خدا، بی‌اعتقادی به نقش خدا در زندگی روزمره انسان‌ها و بسیاری دیگر از موضوع‌ها امروزه در برخی از کشورهای اروپایی به عنوان پدیده‌های پس از انقلاب صنعتی در اروپا مورد توجه قرار گرفته‌اند. روند زوال ایمان، به اعتقاد برخی پژوهشگران، در کشورهای نظیر سوئد تسریع شده است، از سوی دیگر روند رو به افزایش اعتقاد به خدا و در واقع تقویت ایمان به خدا در بسیاری از مناطق جهان از جمله کشورهای روسیه، ترکمنستان، اوکراین، بیلوروس، بوسنی و هرزگوین، لهستان، بلغارستان، مجارستان، قزاقستان، قرقیزستان با تحوّل جدیدی روبرو شده است، به عبارت دیگر در کشورهایی که قبلاً جزء بلوک کمونیسم قرار داشتند و اکنون از سیطره آن خارج شده‌اند، افزایش ایمان از روند قابل توجهی برخوردار شده است.

تعبیرهای مختلفی از زوال و تقویت ایمان شده است. برخی معتقدند: انسان‌ها وقتی دچار سختی می‌شوند به یاد خداوند می‌افتند. برخی دیگر معتقدند: اعتقاد به خدا و اعتقاد به نقش خدا در زندگی دو موضوع جداگانه هستند و چه بسیار انسان‌هایی وجود دارند که سخت معتقدند خداوند وجود دارد اما نقش خداوند را در زندگی خودشان مورد توجه قرار نمی‌دهند. به هر حال اعتقاد به خدا از چند دیدگاه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این دیدگاه‌ها در واقع آراء اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در مورد موضوع اعتقاد به خداوند است.

مهم‌ترین بحث در گفتگوهای بین اندیشمندان ادیان مختلف موضوع اعتقاد به خداوند است. به‌طور طبیعی دین موضوع اعتقاد به خدا را با استحکام مورد دفاع قرار می‌دهد، هر چند که اغلب ادیان با تسامح بیشتری نسبت به پیروان خود درباره اعتقاد به خداوند برخورد می‌کنند، اما این تسامح در برخی دیگر از ادیان الهی شکل تساهل را دارد، به این معنی که دین با تساهل بیشتر تلاش می‌کند حوزه مدیریت خود را با هدف حفظ اقتدار دین، توسعه بخشد.

مقاله‌ای که پیش رو دارید عمدتاً به کشورهای اروپایی

و در چند مورد به کشورهای آمریکایی پرداخته است. پیش از آنکه به نتایج آماری به دست آمده در مورد مبحث ایمان و اعتقاد به خدا در کشورهای اروپایی و آمریکایی توجه کنیم بهتر است به پیچیدگی بحث اعتقاد به خدا بپردازیم. به عبارت دیگر اعتقاد به خدا نمی‌تواند لزوماً اعتقاد به نقش خدا در زندگی را در برداشته باشد و بسیاری پاسخ‌های دیگر. به این ترتیب می‌توان گفت که: بحث اعتقاد به خدا تنها یک بحث انتزاعی نیست بلکه این بحث ابعاد مختلف و گسترده‌ای را پیدا کرده است.

مهم‌ترین مباحث قابل بررسی در موضوع اعتقاد به خدا را می‌توان در: عواقب ایمان و اعتقاد همه جانبه به خداوند و نیز پیامدهای بی‌ایمانی و بی‌اعتقادی به خداوند در کلیه جوانب، خلاصه کرد. هر چند که از دیدگاه ارزشی در دین اسلام اعتقاد به خدا والاترین ارزش یک مؤمن است. اما از دیدگاه کلی ادیان، می‌توان به نتایج و پیامدهای اعتقاد و یا بی‌اعتقادی پرداخت.

نگارنده این مقاله نیز نسبت به مسئله اعتقاد و بی‌اعتقادی و عواقب آن برای جوامع توجه داشته است، هر چند که می‌توان ادعای داشت نتایج حاصله از این توجه را نمی‌توان به عنوان معیارهای معین و علمی برای همه شرایط زمانی و مکانی یکسان داشت.

## زوال اعتقادات مذهبی در اروپای غربی:

در سی سال اخیر، زوال اعتقادات مذهبی به درجات مختلف در سراسر کشورهای اروپای غربی قابل مشاهده بوده است. در برخی از این کشورها زوال ایمان حتی پیش از این هم آغاز شده بود اما در دهه‌های اخیر این روند تسریع شده است. در تحقیقاتی که با فاصله زمانی کوتاه صورت گرفته، مسئله زوال ایمان مشهود بوده است، در حالی که پیش از این، تغییر اعتقاد، آن قدر بطئی و تدریجی بود که با تحقیقات تاریخی و در مدت زمان طولانی نمایانده می‌شد.

در برخی از دوره‌های تاریخی، تفکر الهادی در میان نجیبگان و اشراف وجود داشت. به عنوان نمونه در زمان رنسانس در چند شهر ایتالیا از جمله اطراف ولتر<sup>۱</sup>، در دادگاه فردریک کبیر، در دادگاه امپراتریس کاترین و در

دوران پیش از انقلاب پاریس تفکر الحادی مشهور بوده است، اما امروزه زوال اعتقادات مذهبی در میان توده مردم نیز به چشم می‌خورد.

در بررسی‌های اعتقادی جوامع، عقاید مذهبی معمولاً به این صورت مورد سؤال قرار می‌گرفت: آیا به خدا اعتقاد دارید؟ پاسخ‌های مثبت و منفی به این قبیل پرسش‌ها امروزه برای جامعه‌شناسان بسیار ساده‌انگارانه و حتی گمراه‌کننده است.

برای دسترسی و ورود به دنیای اعتقادات افراد باید با دقت بیشتری با آنان روبرو شد. بدون در نظر گرفتن این ملاحظات، پرسش‌ها گستاخانه و بی‌ربط مطرح می‌شوند، زیرا این گونه پرسش‌ها مسائل را بسیار ساده جلوه می‌دهند. در چندین تحقیق بین‌المللی که اخیراً انجام شده، با گزینش آگاهانه موقعیت‌ها و تعیین مقیاس‌های شدت و قوت ایمان افراد و یا توانا ساختن پاسخ‌دهندگان به بیان پاسخ‌های مناسب، نقایص تا حدود زیادی برطرف شده است، همچنین مشخص شده که میان ایمان و بی‌ایمانی، پرستش خدا و انکار وجود آن، طیف وسیعی از حالت‌ها و وضعیت‌های مختلف وجود دارد. اکثر افراد نیز در مورد مسائل اعتقادی، مردد و دستخوش تردیدهای فلسفی هستند و به سختی راه خود را از میان سنت‌ها، پیروی و اطاعت، تفکرات قالبی، تشریفات بی‌اهمیت و تمایلات متافیزیکی باز می‌شناسند.

اطلاعات آزمایشی مورد بحث در این بررسی، مبتنی بر پاسخ‌های هزاران نفر است که خود نماینده میلیون‌ها انسان دیگر هستند، امکان دارد این نتایج نگران‌کننده و یا اطمینان‌بخش باشند، اما در هر حال از نظر جامعه‌شناختی عینی هستند. از بررسی که در اروپای غربی انجام شده، نتایج فوق به دست آمده است. این نتایج در برخی کشورهای دیگر نیز مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا، مکزیک و اروپای شرقی نیز برای مقایسه مورد استفاده و استناد قرار گرفته است. به دو دلیل اساسی اروپای غربی برای انجام این تحقیق انتخاب شده است:

۱. شباهت‌های بسیار مهمی بین پانزده کشور اروپایی وجود دارد. (در این رابطه ایرلند تنها استثنای واقعی است.)

۲. پدیده زوال اعتقادات مذهبی محدود به اروپای غربی و مرکزی است.

این طور به نظر می‌رسد که تمایلات مذهبی در سایر مناطق جهان در حال شدت یافتن است. کاهش اعتقادات

مذهبی در میان اکثریت مردم با احیاء ایمان در میان گروه‌های کوچک متفاوت است. این گروه‌های کوچک گاهی ممکن است با برخی فعالیت‌های خاص توجه و وسایل ارتباط جمعی را به خود جلب کنند. اما قدرت نسبی آنها در مقایسه با کل جمعیت به قدری ناچیز است که در بررسی‌های مبتنی بر گروه‌های نمونه، قابل استناد نیست.

تحقیقات انجام شده در این نوشتار، گرایش‌های عمده را مد نظر قرار داده و اقلیت‌های کوچک را نادیده انگاشته است.

زوال مذهب به طور آشکار در مراسم دینی و به‌طور خاص عشاء ربانی و برخی مراسم دیگر بروز می‌کند. این امر یک پدیده شناخته شده است و برای مدت‌های مدید به خصوص به وسیله روحانیون مورد مطالعه قرار گرفته است.

همان‌گونه که اکواویو<sup>۲</sup> خاطر نشان کرده است: ابتدا اعمال مذهبی است که کاهش می‌یابد، سپس عقاید مذهبی شروع به فرو ریختن می‌کنند. مابین دو نوع فرآیند «کاهش» و «از هم پاشیدگی» فاصله‌ای است که زمان تاکنون نتوانسته آن را از میان بردارد و یا آن فاصله را کوتاه‌تر کند. کافی است اشاره کنیم که آمارهای موجود درباره حضور افراد در مراسم عشاء ربانی، غسل تعمید، ازدواج، تدفین مذهبی و غیره به وضوح نشان می‌دهد که کاهش اعمال مذهبی در طول ۴۰ تا ۵۰ سال اخیر تسریع شده و رو به فزونی گذاشته است.

لازمه بررسی مقطعی طیف‌های اعتقادی در این مقاله، محدودیت موضوع است. بنابراین من اعتقاد برتر، یعنی اعتقاد به خدا را برای این بررسی برگزیده‌ام.

#### اعتقاد به خدا

از نظر جامعه‌شناسی اثبات اینکه آیا خدا در ذهن و فکر افراد حضور دارد یا خیر، امکان‌پذیر است. اعتقاد به وجود خدا یک واقعیت اجتماعی قابل مشاهده است. وقتی این پرسش را مطرح می‌کنیم که: آیا به خدا اعتقاد دارید؟ در پاسخ، انبوهی از نظرات مثبت استخراج می‌شود (جدول ۱ ستون ۱). اما اگر از مردم خواسته شود اهمیت خدا را در زندگی خود با شماره‌گذاری (با دادن شماره‌ای) از یک تا ده درجه‌بندی کنند خواهیم فهمید که تنها اقلیت کوچکی هستند که خدا در زندگی آنها اهمیت فراوانی دارد. در ذهن اکثریت افراد خداوند کم و بیش

حضور دارد و یا اصلاً حضور ندارد (جدول ۱ ستون ۴ و ۵ و ۶).

بنابراین برای اکثر ابناء بشر اعتقاد به خدا، امری نسبی است. همچنین ممکن است خدا به هنگام بروز مشکلات و سختی در ذهن افراد حضور داشته باشد و به هنگام شادمانی و خوشحالی از ذهن افراد غایب باشد و حتی ممکن است پرستش خدا به صورت سطحی و گذرا و نه جدی انجام گیرد.

بنابراین زوال ایمان، به معنای کاهش شدت «ایمان» به خداست. اما برای اقلیت کوچکی این امر به معنای انکار موجودیت خدا است.

بین ستون «خیر» (اعتقاد به خدا) و ستون «نه به هیچ وجه» درباره موضوع اهمیت خدا در زندگی افراد ارتباطی مهم مشاهده می‌شود. مطالعه درباره این جدول بیان‌کننده این است که پاسخ مثبت به پرسش صریح «آیا به خدا اعتقاد دارید؟» طیفی از ۳ تا ۱۰ را در بر می‌گیرد. از میان

۶۲٪ فرانسوی که به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند (گفته‌اند بله به خدا اعتقاد داریم) تنها ۱۳ درصد گفته‌اند که خدا در زندگی آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. در بریتانیا ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند اما هنگامی که به مسئله میزان اهمیت خدا در زندگی افراد می‌رسیم این رقم به ۱۹ درصد سقوط می‌کند. این ارقام در مورد کشور آلمان غربی نیز به همین صورت است.

در بیشتر کشورها، پاسخ اکثریت افراد بین دو حد «نه به هیچ وجه» و «خیلی مهم» قرار می‌گیرد. تنها در سوئد تقریباً نیمی از مردم (۴۶٪) دو تا از پایین‌ترین سطوح را برگزیده‌اند.

در لهستان و ایرلند اکثریت افراد سطوح بالا را برگزیده‌اند. ایالات متحده آمریکا یک استثناء محسوب می‌شود، اما در اینجا هیچ توضیح در این باره داده نمی‌شود. می‌توان به سادگی اذعان داشت که هماهنگی با

جدول شماره ۱

	۱-۲	۳-۴	۵-۶	۷-۸	۹-۱۰	بله (%)	خیر (%)
فرانسه	۶۲	۳۸	۳۶	۱۴	۲۳	۱۴	۱۳
بریتانیا	۷۸	۲۲	۲۴	۱۷	۲۳	۱۷	۱۹
آلمان غربی	۷۸	۲۲	۲۴	۱۷	۲۱	۱۹	۲۰
ایتالیا	۸۹	۱۱	۱۴	۷	۱۷	۲۵	۳۷
اسپانیا	۸۶	۱۴	۱۶	۱۲	۲۴	۲۴	۲۵
هلند	۶۴	۳۶	۳۲	۱۵	۲۰	۱۷	۱۶
بلژیک	۶۹	۳۱	۲۸	۱۱	۲۲	۲۰	۱۹
سوئد	۴۵	۵۵	۴۶	۱۷	۱۸	۹	۱۰
نروژ	۶۵	۳۵	۳۶	۱۸	۱۹	۱۰	۱۸
دانمارک	۶۴	۳۶	۴۰	۲۱	۲۲	۱۰	۸
پرتغال	۸۶	۱۴	۱۶	۹	۱۸	۱۸	۳۹
ایرلند	۹۸	۲	۳	۶	۱۷	۲۳	۵۰
ایرلند شمالی	۹۷	۳	۵	۷	۱۵	۲۳	۵۰
لهستان	۹۷	۳	۴	۲	۷	۱۴	۷۳
بیلوروسی	۴۳	۵۷	۳۸	۱۸	۲۲	۱۱	۱۱
لتونی	۵۸	۴۲	۳۴	۱۸	۲۲	۱۲	۱۴
مسکو	۴۱	۵۹	۴۰	۱۸	۲۰	۱۲	۱۱
ژاپن	۶۵	۳۵	۲۱	۲۱	۳۹	۱۲	۸
آمریکا	۹۶	۴	۷	۶	۱۳	۱۶	۵۸
کانادا	۸۹	۱۱	۱۲	۸	۱۸	۲۴	۳۸

منبع: بررسی ارزش‌های جهانی ۹۱-۱۹۹۰  
 ۱۰ = بسیار مهم  
 ۱ = به هیچ وجه اهمیت ندارد

جدول شماره ۲

کشور	(%)A	(%)B	(%)C	(%)D	(%)F	(%)E
آلمان غربی	۱۰	۱۰	۲۲	۹	۲۱	۲۷
آلمان شرقی	۴۰	۱۴	۱۰	۹	۹	۹
بریتانیا	۱۰	۱۴	۱۳	۱۳	۲۷	۲۴
ایتالیا	۳	۷	۹	۱۰	۲۱	۵۱
هلند	۱۶	۱۶	۲۰	۹	۱۵	۲۵
اتریش	۴	۸	۲۵	۱۰	۲۴	۲۸
نروژ	۱۰	۱۲	۲۵	۸	۲۵	۲۰
ایرلند	۲	۲	۳	۹	۲۵	۵۹
ایرلند شمالی	۲	۴	۴	۸	۲۱	۶۱
لهستان	۲	۴	۱۰	۸	۹	۶۶
مجارستان	۱۳	۱۶	۸	۱۴	۲۰	۳۰
اسلوانی	۱۹	۱۰	۲۳	۹	۱۷	۲۲
اسرائیل	۱۶	۶	۱۴	۶	۱۵	۴۳
آمریکا	۲	۵	۱۷	۵	۱۸	۶۳
نیوزلند	۸	۱۲	۱۸	۹	۲۴	۲۹
فیلیپین	۲	۴	۱۰	۸	۹	۶۶

منبع: برنامه مطالعات  
اجتماعی بین‌الملل ۱۹۹۰

اصول اجتماعی در آمریکا بیش از اروپا مشهود است. در زمینه حضور در مراسم مذهبی، برای مثال مراسم عشاء ربانی، بین نتایج به دست آمده و روش‌های مختلف شباهت و هماهنگی وجود دارد. (آمار افرادی که به کلیسا می‌روند و بررسی‌هایی که در مورد عقاید به عمل آمده). برعکس در ایالات متحده آمریکا نسبت افرادی که واقعا در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند به‌طور مشخص کمتر از پاسخ‌دهندگانی است که مورد سؤال واقع شده‌اند و گفته‌اند که به کلیسا می‌روند.<sup>۳</sup>

گروه برنامه مطالعات اجتماعی بین‌المللی با منظر نمودن شش عبارت زیر واژه‌های دقیق و ماهرانه‌ای را برای پرسش درباره درک و آگاهی از وجود خداوند یافته است:

۱. به خدا اعتقاد ندارم.
۲. نمی‌دانم آیا خدایی وجود دارد یا نه؟ و معتقد نیستم راهی برای فهمیدن این مسئله وجود داشته باشد.
۳. به یک خدای شخصی اعتقاد ندارم اما معتقدم نوعی نیروی برتر وجود دارد.
۴. گاهی اوقات متوجه می‌شوم به خدا اعتقاد دارم اما نه همیشه.
۵. هنگامی که دچار تردید می‌شوم احساس می‌کنم

به خدا اعتقاد دارم.  
۶. می‌دانم که خدا واقعا وجود دارد و هیچ شکمی در این مورد ندارم.

در این بررسی که در سال ۱۹۹۰ و در ۱۶ کشور جهان و از جمله ۱۲ کشور اروپایی انجام شده است تعداد محدودی منکر وجود خدا شده‌اند. مورد کشور آلمان جالب توجه است. در بخش شرقی آلمان که بیش از ۴۰ سال تحت تأثیر اعتقادات مارکسیستی قرار داشته، به‌خصوص در ارتش و مدارس تقریباً نیمی از افراد بی‌درنگ پاسخ داده‌اند که به خدا اعتقاد ندارند. در حالی که در آلمان غربی منکران وجود خدا تنها ۱۰ جمعیت را تشکیل می‌دهند، در برخی کشورها از جمله ایتالیا، ایرلند و لهستان... اکثریت مردم معتقدند که خدا وجود دارد.

(ارقام مربوط به کشور فیلیپین نیز که برای مقایسه در این جدول آورده شده، حاکی از همین امر است.) در این مورد نیز ایالات متحده آمریکا یک استثناء محسوب می‌شود. اکثر اسرائیلی‌ها به اینکه خدا واقعا وجود دارد اعتقادی ندارند.

نتیجه کلی و نهایی به دست آمده از این جدول نشان‌دهنده این مسئله است که در هشت کشور اروپایی

اکثریت مردم نه منکر وجود خدا هستند و نه خدا را پرستش می‌کنند. بنابراین در این جوامع اعتقاد به خدا نسبی است. (جدول شماره ۲)

### جدول شماره ۲: تصور وجود خدا

کدام عبارت به آنچه شما دربارهٔ خدا می‌اندیشید نزدیک‌تر است؟

- A: به خدا اعتقاد ندارم.  
 B: نمی‌دانم آیا خدایی وجود دارد یا نه و راهی برای پی بردن به آن را نیز نمی‌شناسم.  
 C: به یک خدای شخصی اعتقاد ندارم، اما به وجود نوعی نیروی برتر در جهان اعتقاد دارم.  
 D: گاهی اوقات به خدا اعتقاد دارم نه همیشه.  
 E: هنگامی که تردید دارم، حس می‌کنم به خدا اعتقاد دارم.  
 F: می‌دانم حقیقتاً خدا وجود دارد و هیچ شکي دربارهٔ آن ندارم.

### خدای شخصی

گروهی خداوند را به صورت یک نیروی معنوی، روحانی و یا یک شخص مجسم می‌کنند. در متون عهد عتیق و جدید و در آثار هنری بسیاری از هنرمندان نیز پروردگار آشکار و پنهان به همین صورت مطرح شده است.

در سال‌های اخیر این معرفی توسط بسیاری از متخصصان الهیات نگاهشده شده است. اما نظر اروپاییان امروزی در این باره چیست؟ برای نخستین بار تحقیقات اخیر به این پرسش پاسخ می‌دهند.

در بررسی که تحت عنوان «ارزش‌ها در جهان» در سال ۱۹۹۱ - ۱۹۹۰ انجام شد (جدول سه) از افراد خواسته شد یکی از چهار پاسخ احتمالی زیر را برگزینند:

۱. یک خدای شخصی وجود دارد.
۲. نوعی روح یا نیروی زندگی وجود دارد.
۳. واقعاً نمی‌دانم چگونه فکر کنم.
۴. هیچ نوع روح، خدا یا نیروی زندگی وجود ندارد.

### جدول شماره ۳

کدام عبارت برای توصیف احساس شما مناسب‌تر است؟

- A: یک خدای مشخص وجود دارد.  
 B: نوعی روح یا زندگی وجود دارد.  
 C: واقعاً نمی‌دانم چگونه فکر کنم.  
 D: هیچ نوع روح، خدا یا نیروی زندگی وجود ندارد.

از میان ۲۰ کشوری که این بررسی در آنها انجام شده است تنها در ۵ کشور اکثریت مطلق افراد معتقد بودند که خدای شخصی، خدای انجیل وجود دارد. این کشورها عبارتند: از ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، ایرلند و ایالات متحده آمریکا. در سایر کشورها مردم به یک روح یا یک نیروی حیاتی اشاره می‌کنند. اعتقاد به یک نیروی حیاتی یا نوعی از روح جهانی در آلمان، هلند، سوئد، ایالات متحده آمریکا و کانادا و بیلوروسی امری نسبی است و انکار وجود خدا از یک درصد در ایرلند تا بیست درصد در سوئد متغیر است.

گروه مطالعات اجتماعی بین‌المللی (جدول شماره ۴) پرسش‌های صریح زیر را از مردم ۱۷ کشور که در این میان ۱۴ کشور اروپایی هستند، پرسیده است:

آیا خدایی وجود دارد که خود را با هر یک از ابناء بشر شخصاً مرتبط کند؟

### جدول شماره ۳

کشور	(%)A	(%)B	(%)C	(%)D
فرانسه	۲۲	۳۴	۲۶	۱۸
بریتانیا	۳۳	۴۱	۱۶	۱۰
آلمان غربی	۲۵	۴۵	۱۸	۱۲
ایتالیا	۶۵	۲۳	۶	۶
اسپانیا	۵۰	۲۸	۱۵	۷
هلند	۲۷	۴۶	۱۶	۱۱
بلژیک	۳۲	۲۲	۳۲	۱۵
سوئد	۱۶	۴۶	۱۸	۲۰
نروژ	۳۰	۳۶	۲۳	۱۱
دانمارک	۲۰	۳۴	۲۴	۲۳
پرتغال	۶۲	۱۹	۱۲	۸
ایرلند	۶۷	۲۴	۷	۱
ایرلند شمالی	۶۶	۲۰	۱۲	۲
بیلوروسی	۶	۴۳	۲۹	۲۲
لتونی	۱۰	۵۶	۲۲	۱۳
مسکو	۶	۵۱	۲۴	۱۹
ژاپن	۴	۳۶	۴۹	۱۰
آمریکا	۶۹	۲۳	۶	۵
کانادا	۴۴	۴۱	۱۰	۲

منبع: بررسی ارزش‌های ۹۱ - ۱۹۹۰

برای سنجش و بحث کردن درباره شدت اعتقادات، تردیدها و درنگ‌های افراد، آزاد رها کردن آنان برای انتخاب یکی از ۵ گروه میان دو طیف «قویاً معتقد به خدا» و «شدیداً مخالف خدا» اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسید. کشورهایی که این بررسی در آنها صورت گرفته با کشورهایی که تحقیق دیگری تحت عنوان «بررسی ارزش‌های جهانی» در آنجا انجام شده است، متفاوت هستند و از آنجا که سؤالات دقیقاً به همان روش مطرح شده است، مقایسه نتایج دو جدول ۳ و ۴ ساده نیست، اگرچه هر دو جدول پراکنندگی یکسانی را در باور داشتن خدا نشان می‌دهند.

#### کتاب مقدس چیست؟

از نظر تاریخی، اعتقاد به خدا همواره بر متون کتاب مقدس استوار بوده است. آیا کتاب مقدس کلام واقعی پروردگار است؟ آیا فقط به وسیله خداوند فرستاده شده

است یا اینکه کتاب مقدس کتاب حکایت‌ها، افسانه‌ها، تاریخ و تعالیم اخلاقی است؟ اینها پرسش‌هایی هستند که توسط گروه «بررسی مطالعات اجتماعی بین‌المللی» مطرح شده است. (جدول شماره ۵)

#### جدول شماره ۵

کدام عبارت به بیان احساس شما درباره کتاب مقدس نزدیک‌تر است؟

A: کتاب مقدس حقیقتاً کلام خداوند است و باید مو به مو مورد توجه قرار گیرد.

B: کتاب مقدس کلام خداوند است که به انسان وحی شده است اما نباید معنای تحت‌اللفظی آن مد نظر باشد.

C: کتاب مقدس، کتابی باستانی از افسانه‌ها، حکایت‌های تاریخی و تعالیم اخلاقی است که به وسیله انسان نگاشته شده است.

D: برای من مفهوم و کاربردی ندارد.

#### جدول شماره ۴

#### جدول شماره ۵

کشور	(%)A	(%)B	(%)C	(%)D
۱. آلمان غربی	۱۳	۴۵	۳۴	۸
۲. آلمان شرقی	۸	۲۰	۴۳	۲۹
۳. بریتانیا	۷	۳۸	۴۷	۸
۴. ایتالیا	۲۷	۵۴	۱۵	۳
۵. هلند	۸	۳۷	۳۴	۲۰
۶. اتریش	۱۳	۵۱	۳۲	۴
۷. نروژ	۱۱	۲۸	۴۷	۴
۸. ایرلند	۲۵	۵۳	۲۰	۲
۹. ایرلند شمالی	۳۳	۴۸	۱۷	۲
۱۰. روسیه	۱۰	۱۷	۵۸	۱۶
۱۱. لهستان	۳۷	۳۶	۲۳	۴
۱۲. مجارستان	۱۹	۳۰	۵۰	۱
۱۳. اسلوانیا	۲۲	۳۵	۳۳	۹
۱۴. اسرائیل	۲۷	۲۸	۴۱	۴
۱۵. آمریکا	۳۴	۵۰	۱۵	۲
۱۶. نیوزلند	۹	۳۹	۴۵	۷
۱۷. فیلیپین	۵۴	۲۷	۱۷	۲

کشور	(%)A	(%)B	(%)C	(%)D	(%)E
آلمان غربی	۱۲	۲۸	۱۴	۲۴	۲۳
آلمان شرقی	۴	۱۰	۷	۲۶	۵۴
بریتانیا	۱۳	۲۵	۲۹	۲۰	۱۳
ایتالیا	۲۵	۲۹	۱۸	۱۵	۱۴
هلند	۱۲	۱۸	۱۸	۲۶	۲۵
اتریش	۱۲	۳۱	۱۶	۱۸	۲۴
نروژ	۱۵	۲۳	۲۳	۲۲	۱۷
ایرلند	۲۶	۴۸	۱۳	۱۰	۳
ایرلند شمالی	۴۲	۳۷	۱۳	۶	۲
روسیه	۱۰	۱۴	۲۳	۲۵	۲۹
لهستان	۳۸	۳۵	۱۵	۸	۴
مجارستان	۱۷	۱۱	۱۳	۱۷	۴۲
اسلوانی	۷	۲۰	۱۷	۳۰	۲۶
اسرائیل	۲۳	۲۷	۱۶	۱۶	۱۸
آمریکا	۴۷	۲۷	۱۶	۶	۴
نیوزلند	۲۲	۲۱	۲۵	۱۹	۱۳
فیلیپین	۲۹	۶۱	۷	۳	۱



جدول شماره ۶

کشور	(%)A	(%)B	(%)C	(%)D	(%)E
فرانسه	۱۳	۲۲	۱۲	۷	۴۷
بریتانیا	۲۲	۲۱	۱۶	۸	۳۳
آلمان غربی	۲۲	۲۴	۱۳	۱۸	۲۴
ایتالیا	۳۳	۳۰	۹	۹	۱۸
اسپانیا	۲۷	۲۹	۸	۱۲	۲۴
هلند	۲۳	۲۳	۵	۸	۴۰
بلژیک	۱۷	۲۴	۹	۱۰	۴۰
سوئد	۱۰	۱۵	۱۵	۱۰	۵۰
نروژ	۱۸	۱۸	۱۲	۱۱	۴۱
دانمارک	۱۳	۱۲	۱۴	۹	۵۲
پرتغال	۲۵	۳۳	۹	۱۱	۲۳
ایرلند	۵۰	۳۲	۷	۸	۵
ایرلند شمالی	۴۵	۳۰	۹	۶	۱۱
بیلوروسی	۶	۱۰	۱۴	۵	۶۵
لتوانی	۷	۲۰	۲۵	۱۳	۳۴
مسکو	۷	۹	۱۵	۶	۶۳
ژاپن	۱۲	۲۶	۲۷	۲۲	۱۳
آمریکا	۴۹	۲۹	۴	۹	۱۰
کانادا	۳۵	۲۸	۹	۱۰	۱۹
مکزیک	۳۸	۳۳	۹	۱۲	۸

از میان ۱۴ کشوری که این بررسی در آنها صورت گرفته است، در ۱۱ کشور، از هر ۴ نفر یک نفر معتقد است که کتاب مقدس کلمه به کلمه سخنان پروردگار است. بیشتر آنها معتقدند که این کتاب حاوی کلام خداوند است، اما نباید معنای تحت‌اللفظی آن مورد توجه قرار گیرد. جالب‌ترین نتیجه درصد بالای افرادی است که معتقدند: کتاب مقدس، کتابی است حاوی افسانه‌ها و حکایت‌ها، داستان‌ها، تاریخ و تعالیم اخلاقی که توسط انسان نگاشته شده است و هیچ‌گونه منشأ الهی ندارد. این عقیده ۴۷ درصد از بریتانیایی‌ها و نروژی‌ها و ۱۱ آلمانی‌ها، هلندی‌ها، اتریشی‌ها، اسلوانی‌ها، نیمی از مجارها و ۵۸٪ روس‌ها است. حتی در اسرائیل، کشوری که در آن کتاب مقدس ارزش خاص سمبولیک دارد، ۴۱٪ از مردم معتقدند کتاب مقدس، کتاب تاریخ، افسانه‌ها و حکایت‌هاست.

نیایش

در اکثر کشورهای اروپای غربی بیش از یک سوم و در مواردی بیش از نیمی از مردم اظهار داشته‌اند که در مراسم مذهبی روز یکشنبه و در نیایش‌های دسته جمعی شرکت نمی‌کنند. آیا این بدان معنی است که این افراد به تنهایی نیز نیایش نمی‌کنند؟

جدول شماره ۶

چه مواقعی خارج از مراسم مذهبی خدا را عبادت می‌کنید؟

- A: اغلب
- B: گاهی اوقات
- C: فقط در مواقع بروز مشکل و بحران
- D: به ندرت
- E: هیچ‌گاه

خارج از مراسم مذهبی خدا را عبادت می‌کنید؟ درصد افرادی که پاسخ داده‌اند به ندرت و یا هیچ‌گاه خدا را عبادت نمی‌کنند به خصوص در سوئد، دانمارک، نروژ، فرانسه، بلژیک و هلند بسیار بالا است. حتی در کشورهای کاتولیک مذهب - مانند پرتغال، اسپانیا و ایتالیا - تعداد قابل توجهی از افراد بیان داشته‌اند که هرگز خدا را عبادت نمی‌کنند.

شارلمانی<sup>۴</sup> یکی از بزرگ‌ترین مبلغین مسیحیت گفته: «خدا وجود دارد زیرا عبادت و پرستش وجود دارد. او وجود دارد زیرا من عبادت می‌کنم.» امروزه یک سوم از جمعیت ۲۰۰ میلیون نفری بزرگسالان اروپای غربی از «آندلس» تا «بوهم» هرگز عبادت نمی‌کنند، چه به تنهایی و چه در گروه‌های مذهبی. آیا برای آنان این بدان معناست که خدا وجود ندارد؟ حضور خدا در ذهن افراد یک واقعیت اجتماعی است که به وسیله فعل پرستش خدا،

بررسی‌های انجام شده در کشورهای مختلف، علی‌رغم عدم وجود همکاری بین‌المللی، نشان‌دهنده عبادت مؤمنانه به درگاه خداوند، یا عیسی مسیح، یا مریم مقدس و یا مقدسین محلی است. آمار و اطلاعات درباره این مطلب در کشورهای فرانسه، سوئد، ایتالیا، بریتانیای کبیر، اسپانیا و جمهوری چک، اسلوانی و برخی کشورهای دیگر در دسترس است.

گروه «بررسی ارزش‌های جهانی» در سال ۱۹۹۰ این پرسش را در ۱۴ کشور جهان مطرح ساخت: «چه هنگام،



قابل اثبات است. با در نظر گرفتن گفته‌های شارلمانی، ممکن است گفته شود که از نظر جامعه‌شناسی عبادت نکردن و ترک پرستش خدا به معنای انکار وجود خداست، مگر در جاهایی که واسط یا میانجی در کار است، همانند دهکده‌های خاصی در جنوب ایتالیا، شمال غرب اسپانیا، یونان و ایرلند.

### اجتماعی شدن مذهبی

در جستجوی توضیحی برای گوناگونی و تنوع اعتقادات در اروپا، اولین عاملی که باید در نظر گرفته شود اجتماعی شدن جوانان است زیرا تحقیقات بسیار زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اعتقادات در سال‌های بچگی به آسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. در یک بررسی که در سال ۱۹۸۵ در آمریکا و بریتانیا انجام شد، ۴۷ درصد افرادی که مورد سؤال قرار گرفته‌اند معتقدند که: به‌طور کلی از عقاید مذهبی که از کودکی آموخته‌اند پیروی می‌کنند در حالی که فقط ۳۷ درصد ادعا کرده‌اند که قوانین و آداب رفتاری خاص خود را دارند. ۱۶ درصد هم گفته‌اند که مذهبی ندارند. نتایج به دست آمده از همین بررسی که در سال ۱۹۹۱ در کشور رومانی انجام شد به این شرح است: ۵۹ درصد ادعا کرده‌اند که از عقاید مذهبی که از دوران کودکی آموخته‌اند پیروی می‌کنند. ۳۰ درصد از قوانین خاص خود پیروی می‌کنند. ۱۶ درصد هم ادعا کرده‌اند مذهبی ندارند.

پرسش دیگری که در سال ۱۹۹۱ - ۱۹۹۰ در بررسی ارزش‌های جهانی مطرح شد به شرح ذیل بود:  
آیا شما مذهبی بار آمده‌اید؟

اگر چه تعلیمات مذهبی فرآیندی پیچیده است که در آن نه فقط کلیسا بلکه مدرسه، خانواده، سازمان‌های جوانان و جو آیدئولوژیک و رژیم‌های سیاسی، همه درگیر هستند با این حال سؤال پیش گفته ساده اما مهم و مرتبط با مسئله است.

شگفت‌انگیز نخواهد بود که بدانیم ۸۰ درصد مردم بیلوروس اظهار داشته‌اند که مذهبی بار نیامده‌اند. ۸۶ درصد ساکنان شهر مسکو، ۷۱ درصد در لتونی، ۸۵ درصد در استونی و ۴۸ درصد در جمهوری چک ادعا کرده‌اند که مذهبی بار نیامده‌اند و در مقابل تنها ۲ درصد از مردم لهستان گفته‌اند که تعلیمات مذهبی نداشته و مذهبی بار نیامده‌اند. جالب توجه ارقامی است که از سوئد (۶۹ درصد)، دانمارک (۵۷ درصد)، نروژ (۵۴ درصد)، بریتانیا



(۴۱ درصد) و هلند و فرانسه (۲۹ درصد) به دست آمده است. معدود کشورهای کاتولیک اروپایی که هنوز هم کاملاً مسیحی هستند عبارتند از لهستان (۲ درصد جمعیت بدون هیچ گونه آموزش مذهبی)، ایتالیا (۷ درصد)، ایرلند (۶ درصد)، اسپانیا (۸ درصد) و پرتغال (۲۰ درصد).

تهیه جدول مقایسه‌ای میان تعلیمات مذهبی دیروز و اعتقادات مذهبی امروز بسیار با اهمیت است. یک مورد استثناء قابل توجه این است که در حدود ۴۰ درصد آمریکاییان اظهار داشته‌اند که مذهبی بار نیامده‌اند، در حالی که ۹۰ درصد گفته‌اند که به خدا اعتقاد دارند و این شاهد دیگری بر این مدعاست که تطبیق‌پذیری با اصول اجتماعی در ایالات متحده آمریکا بسیار شدید است.

استثنای دیگری که شایسته است به آن اشاره شود کشور ژاپن است که ۷۸ درصد از مردم این کشور هیچ‌گونه فراگیری مذهبی ندارند. در حالی که اکثریت آنها ادعا کرده‌اند که بودیست یا شینتویست هستند. جالب‌ترین نمونه اجتماعی شدن مذهب در آلمان، که قبل از سقوط دیوار برلین به دو قسمت تقسیم شده بود، قابل مشاهده است. تفاوت میان نسبت ۴۹ درصد از آلمانی‌های ساکن شرق و ۱۰ درصد از آلمانی‌های ساکن غرب که به خدا اعتقاد ندارند قبلاً ذکر شده است. در آلمان شرقی ۹ درصد از آلمانی‌ها عقیده داشتند که خدا وجود دارد در حالی که این رقم در غرب سه مرتبه بیشتر بود. (۲۷ درصد) حقیقتی که نباید آن را فراموش کرد این است که نسبت کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در دو بخش آلمان یکسان نیست، اما تفاوت میان این دو نیز عمدتاً به واسطه تفاوت‌های عقیدتی غالب دو نسل است. آشکارا حکومت مارکسیستی در مسیحیت‌زدایی بخش بزرگی از جامعه بسیار موفق بوده است. در سال ۱۹۹۰ نیمی از مردم ساکن شرق آلمان اظهار داشته‌اند که والدین آنها هیچ علاقه‌ای به مذهب از خودشان نشان نداده‌اند و خود آنها هم هرگز دعا نکرده‌اند. در آلمان شرقی سابق کمتر از ۳۰ درصد بزرگسالان و فقط یک نفر از هر ده نفر در میان جوانان غسل تعمید داده شده‌اند. (Tincy, 1995).

تعداد آلمانی‌های ساکن شرق و غرب که از پرداخت کمک مالی به کلیسا (Kirchensteuer) خودداری می‌کنند، هر روز بیشتر می‌شود. بخش‌های عظیمی از جامعه نیز از کاتولیسیسم، که بیش از این آرزوها و توقعات آنها را برآورده نمی‌کند، فاصله می‌گیرند. هنگامی که به افراد پنج

پاسخ ارائه شد که از میان آنها یکی را انشخاب کنند: غیرمذهبی، بی‌اعتقاد، بی‌تفاوت، شکاک و بی‌دین (منکر وجود خدا) تعداد کمی پاسخ داده‌اند که: منکر وجود خدا هستند. احتمالاً درگیر مشکل معنی‌شناسی هستیم اما دلیل عمده ادعای انکار خدا، تلویحاً به تفکر عمیقی اشاره دارد که بیش از شرکت عامه مردم در مراسم عشاء ربانی مورد توجه روشنفکران است. افراد، برجسب منکر وجود خدا یا «بی‌دین» را دوست ندارند زیرا بیانگر دشمنی با مذهب است. در حالی که اکثر افرادی که ایمانشان را از دست می‌دهند، و تقریباً بی‌تفاوت می‌شوند، هنوز هم از اخلاقیات مسیحی پیروی می‌کنند، حتی اگر از تعلیمات رسمی کلیسا آن آرامش و حمایتی را که انتظار دارند دریافت نکنند.

در تمامی کشورهایی که این بررسی در آنها انجام شده است افرادی که مورد سؤال واقع شده‌اند گفته‌اند که در نظر آنها، خانواده، کار، دوستان و سیاست از اهمیت بالاتری نسبت به مذهب برخوردار است.

### کلیسا و جامعه

آیا کلیسا قادر است در مقابل وضعیت دشوار اخلاقی، مشکلات خانوادگی و مسائل امروزی در جوامع پاسخگو باشد؟ این سؤال در بررسی ارزش‌های اروپایی که در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۰ انجام شد مورد توجه قرار گرفت. عملاً در بیشتر کشورها (به جز ایرلند و ایتالیا) اکثریت مردم به این سؤال پاسخ منفی داده‌اند.

بنابراین از دید بیشتر مردم، کلیسا پاسخگوی مسائل و مشکلات جوامع، معاصر امروزی نیست. حتی در برخی موارد خاص همانند سقط جنین، طلاق، مرگ و مسائل جنسی کلیسا راه‌حلهایی ارائه می‌کند که به نظر بسیاری از مردم پسندیده نیست. برای بسیاری از مردم این حقیقت اثبات می‌شود که علی‌رغم اینکه کلیسا و دولت در ساختار تمام کشورهای اروپایی جدا هستند، با این حال روحانیون اجازه دارند، تحت لوای اصل آزادی بیان، نظرات و پیشنهادهای خود را بازگو کنند. اگرچه بیان این نظرات و پیشنهادهای برای روحانیون مجاز است، ولی آیا این بیانات و نظرات به خوبی پذیرفته می‌شود یا اینکه مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.

گروه برنامه بررسی و تحقیق اجتماعی بین‌المللی در سال ۱۹۹۰ دو سؤال را در این زمینه مطرح کرده است و نتایج آن را در ۱۴ کشور اروپایی، ایالات متحده آمریکا،

جدول شماره ۷

۱۹۸۲	۱۹۷۳	۱۹۶۷-۶۹	۱۹۶۳	۱۹۵۲	
۱۸	۲۴	۴۰	۵۲	۵۲	سال ۱۶-۲۹
۲۶	۲۸	۴۲	۵۱	۴۴	سال ۳۰-۴۴
۲۹	۴۶	۵۳	۵۶	۵۰	سال ۴۵-۵۹
۵۴	۵۷	۶۲	۶۴	۶۳	بالای ۶۰ سال
۳۲	۳۵	۴۸	۵۵	۵۱	همه

منبع: E. Noelle - Neumann and R. Kocher, Di Verletzte Nation. 1988, p. 175

مذهبی سازمان‌دهی شده و بنابراین اطلاعات ملی که همواره نیز به‌طور مستقیم قابل مقایسه نیستند تنها منبع این بررسی‌ها هستند، اگرچه، همه این بررسی‌ها به یک نتیجه می‌رسند و همگی بیانگر کاهش سریع اعمال و اعتقادات مذهبی در میان جوانان هستند تا در افراد مسن.

## جدول شماره ۷ کلیساروها

## جمعیت کاتولیک آلمان غربی (%)

آلمان غربی مورد خوبی برای اشاره است. در سال ۱۹۵۲ در آلمان، اختلاف میان شرکت‌کنندگان کاتولیک در مراسم عشاء ربانی، افراد زیر ۲۹ سال و آنهایی که بیش از ۶۰ سال دارند، ۱۱ است. (۵۲ درصد و ۶۳ درصد و ۶۳ درصد به‌طور نسبی). در سال ۱۹۶۳ این اختلاف به ۱۲ می‌رسد و در سال ۱۹۶۹ - ۱۹۶۷ این اختلاف ۲۲ و در سال ۱۹۷۳، ۳۳ و در سال ۱۹۸۲، ۳۵ است. در طول این سی سال نسبت افراد زیر ۲۹ سال حاضر در مراسم عشاء ربانی از ۵۲ درصد در سال ۱۹۵۲ به ۱۹ درصد در سال ۱۹۸۲ رسیده است. در حالی که افراد بالای ۶۰ سال که در مراسم عشاء ربانی شرکت می‌کنند، از ۶۳ درصد به ۵۴ درصد کاهش یافته‌اند، در نتیجه، این جوانان هستند که کلیسا را رها می‌کنند در حالی که گروه‌های موفق افراد مسن حقیقتاً عادت‌های خود را تغییر نده‌اند. اگرچه باید به خاطر داشت که افراد ۶۰ ساله که در سال ۱۹۸۲ در مراسم عشاء ربانی شرکت کرده‌اند، در سال ۱۹۵۲ تنها ۳۰ سال سن داشته‌اند. همچنین نسبت افرادی که به کلیسا می‌روند در گروه سنی ۴۴ - ۳۰ سال از ۴۴ درصد در سال ۱۹۵۲ به ۲۶ درصد در سال ۱۹۸۲ کاهش یافته است. در گروه سنی ۵۹ - ۴۵ سال نیز از ۵۰ درصد به ۲۹ درصد کاهش یافته است. بنابراین با هر بررسی، کاهش در اعمال مذهبی در کل جمعیت مشاهده می‌شود. به دلیل اینکه در

فیلیپین و اسرائیل جمع‌آوری کرده‌اند. در همه ۱۷ کشور بدون هیچ استثنایی اکثریت مردم، معتقدند که: رهبران کلیسا نباید بر تصمیمات دولت و آراء رأی‌دهندگان تأثیر بگذارند. به غیر از ایالات متحده آمریکا، مردم فیلیپین و ایرلند شمالی شدیداً با این عقیده که سیاست‌مدارانی که به خدا اعتقاد ندارند شایسته احراز مقام در زندگی عمومی نیستند، مخالفند.

## پویایی نسل‌ها

در زمینه اعتقادات مذهبی تفاوت‌های قابل توجهی یافت می‌شود. این تفاوت، حتی از گوناگونی موجود در زمینه سن، (میزان) تحصیلات، جنس و زمینه اجتماعی (شهر یا کشور) بسیار بیشتر است. زوش معمول مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل گرایش‌های اعتقادی، طبقه‌بندی پاسخ‌ها بر اساس گروه‌های سنی است. متأسفانه بررسی درباره ماهیت دین یا به عبارت دیگر اعتقادات بنیادی، یک حرکت نسبتاً جدید است. مدت زیادی نیست که همکاری بین‌المللی در بررسی مسائل

E D C B A  
۱۸-۲۴ سال ۲۳-۲۹ سال ۳۵-۴۹ سال ۵۰-۶۴ سال ۶۵ سال به بالا

۴۵	۴۴	۲۶	۳۰	۲۸	عیسی مسیح پسر خداست
۴۴	۳۹	۲۳	۲۳	۱۸	به رستاخیز عیسی
۳۵	۳۴	۱۷	۱۱	۸	به حضور راستین عیسی در عشاء ربانی
۳۵	۳۳	۱۸	۲۰	۱۹	به روح مقدس
۲۸	۲۷	۹	۱۰	۹	اعتقاد به تثلیث

جدول شماره ۸

میزان افرادی که واقفاً اعتقاد دارند

### جدول شماره ۹

کشور	(%)A ۱۸.۲۴ سال	(%)B ۲۲.۳۴ سال	(%)C ۲۵.۵۴ سال بالای ۵۵	(%)D
فرانسه	۴۲	۴۶	۳۱	۲۵
بریتانیا	۳۵	۲۸	۱۶	۱۱
آلمان	۳۴	۳۱	۲۰	۱۲
ایتالیا	۱۶	۲۰	۸	۱۰
اسپانیا	۱۹	۱۹	۸	۵
بلژیک	۲۵	۲۰	۱۰	۸
هلند	۳۴	۳۶	۲۵	۱۷
سوئد	۶۱	۶۱	۳۶	۲۴
نروژ	۴۸	۱۴	۳۱	۱۰
دانمارک	۵۷	۴۹	۳۲	۱۶
ایرلند	۸	۸	۴	۱
ایرلند شمالی	۶	۱۲	۴	۲
USA	۵	۶	۴	۳
کانادا	۱۰	۱۳	۹	۴
استرالیا	۲۸	۲۲	۱۵	۱۰
ژاپن	۲۷	۲۱	۱۸	۴
مکزیک	۱	۲	۱	۱

طول بیش از ۳۰ سال شرکت کنندگان در مراسم عشاء ربانی از ۵۰ درصد به ۲۹ درصد کاهش یافته اند، این مسئله را می پذیریم که تفاوت هایی با گروه های سنی در هر بررسی وجود دارد، اما به همان نسبت نیز کاهش کلی در اعمال مذهبی در کلیه گروه ها حاکم است. این کشف دو تفسیر و تعبیر مختلف را مطرح می کند:

جوانان و افراد میان سال اعتقادی به خدمت به عقاید بنیادی مذهب مسیحیت ندارند. آیا آنها روزی ایمانشان را به دست خواهند آورد؟ اگر در آینده نزدیک این سؤال بار دیگر از نسل بعد پرسیده شود (در سال ۲۰۲۰) چه درصدی از افراد بالای ۶۵ سال پاسخ مثبت خواهند داد؟ اگر مشخص شود که ارقام ستون D و E در جدول شماره ۸ کمتر از ارقام امروز خواهند بود.

#### جدول شماره ۸

برای هر یک از عبادت های زیر میزان اعتماد خود را مشخص فرمایید. (کم، اصلاً، واقعاً)

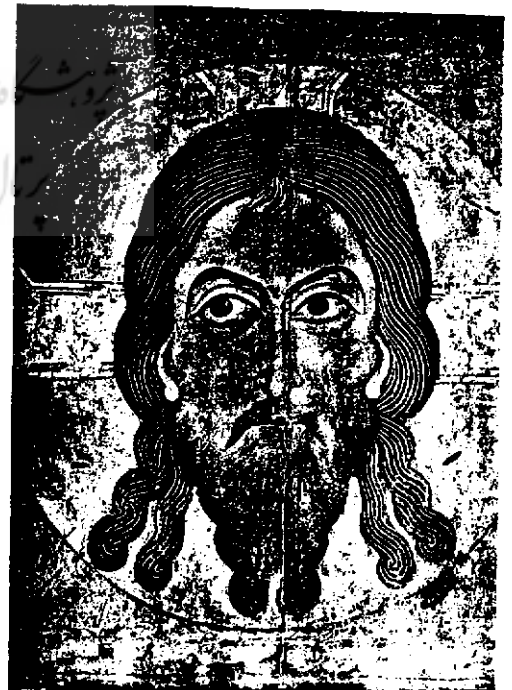
فراوانی اطلاعات و داده های تطبیقی گوناگونی اعتقاد نسبت به سن در بررسی های انجام شده، توسط گروه مطالعات «نظام های ارزش اروپایی» در سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۰ در دسترس است.

### جدول شماره ۹

خدا چقدر در زندگی شما اهمیت دارد؟

همان گونه که جدول شماره ۹ مربوط به ۱۲ کشور اروپایی و برخی کشورهای دیگر نشان می دهد، هر قدر که یک فرد جوان تر باشد ایمانش به خدا کمتر است. این پدیده تقریباً عمومی است. تنها یک مورد استثناء وجود دارد و آن کشور مکزیک است که در آنجا صرف نظر از سن هیچ کس جرأت نکرده بگوید که خدا در زندگی او اهمیت ندارد. تفاوت قابل ملاحظه با سن در سوئد، نروژ، دانمارک و تا حدود کمتری در بریتانیا، آلمان، بلژیک قابل مشاهده است.

تفاوت های عظیم اعتقادی در گروه های سنی در جدول شماره ۱۰ قابل توجه است. در این جدول نسبت افرادی که اظهار داشته اند مذهب، منشأ آرامش و نیرو برای آنها نیست، در بسیاری کشورها میان جوانان ۲۰-۱۸ ساله به همان اندازه زیاد است که در میان افراد بالای ۵۵ سال. تفاوت اعتقادی میان یک گروه سنی با گروه سنی دیگر مخصوصاً در ایرلند شمالی (یکی از مشکل ترین بخش های اروپا) بسیار زیاد است.



جدول شماره ۱۰

می‌توان گفت: جوانان امروزی آن چنان توسط عوامل مشخص تاریخ معاصر تحت نفوذ قرار گرفته‌اند که اعتقادات آنان بیشتر حاصل تأثیرات و تجارب جامعه و گرایش‌های جهانی در جامعه است تا سن آنها. با در نظر گرفتن تضاد آشکار بین اعتقادات مذهبی جوانان امروزی و آنهایی که ۳۰ و یا ۴۰ سال پیش جوان بوده‌اند ترجیح و الویت به تفسیر نسل داده می‌شود. منابع و استاد متعدد و غنی دربارهٔ اعمال مذهبی و شرکت در تشریفات و آداب مذهبی دههٔ ۱۹۵۰ زمانی که پدران و مادران جوانان امروزی جوان محسوب می‌شدند، وجود دارد. اما در زمینهٔ اعتقادات بنیادی تعداد معدودی کشور وجود دارد که می‌توان در آنها به گذشته برگشت و دربارهٔ آن تحقیق کرد.

اگرچه، از دو بررسی که توسط گروه مطالعات سیستم ارزش‌های اروپایی در سال‌های ۱۹۹۱ - ۱۹۹۰ - ۱۹۸۱ انجام شده، این نتیجه حاصل شده است: زوال اعتقادات مذهبی در برخی کشورها به آهستگی و در برخی دیگر به سرعت ادامه یافته است.

نظرات پایانی

بدون شک اروپای مرکزی و غربی از جمله محدود مناطق جهان هستند (اگرچه تنها منطقه نیستند) که کاهش مشخص در اعتقادات مذهبی آنها به چشم می‌خورد. پدیدهٔ مشروح فوق به دلایلی که توضیح آن عملاً غیرممکن می‌نماید در ایالات متحدهٔ آمریکا مشهود نیست. بنابراین داده‌های آزمایشی مندرج در این تحقیق نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که گرایش مشابهی در بسیاری از کشورهایی که جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، وجود دارد. هنگامی که در یک بررسی پدیده‌ای بیست بار تکرار شود در نتیجه میزان خطا در نتایج به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. تنوع دیدگاه‌های مذهبی در اروپای غربی بسیار بیشتر از تنوع در سطوح اقتصادی و اجتماعی موجود در این قاره است. جایگاه اعمال مذهبی و اعتقادات در ایرلند امروزی در همان موقعیتی است که سوئد در سراسر قرن گذشته داشته است. این تفاوت در زمینهٔ کاتولیسیسم و یا پروتستانیزم به‌طور کامل قابل توضیح نیست، زیرا زوال ارزش‌های مذهبی در کشورهای کاتولیک مذهب نیز به چشم می‌خورد. شباهت‌هایی که بین کاتولیک فرانسه و پروتستان بریتانیای کبیر وجود دارد بیشتر از شباهت‌های دو سوی رشته کوه پیرنه است.

کشور	(%)A	(%)B	(%)C	(%)D
فرانسه	۷۳	۷۲	۵۳	۴۲
بریتانیا	۷۱	۶۲	۴۸	۲۸
آلمان	۵۹	۵۶	۳۸	۲۵
ایتالیا	۴۴	۴۲	۲۹	۲۲
اسپانیا	۵۰	۴۹	۲۹	۲۱
بلژیک	۴۴	۴۷	۲۸	۲۱
هلند	۵۲	۵۰	۴۴	۳۲
سوئد	۸۰	۷۶	۶۳	۴۸
نروژ	۵۸	۴۸	۴۴	۲۴
دانمارک	۸۲	۸۰	۶۲	۳۷
ایرلند	۲۹	۲۲	۱۲	۴
ایرلند شمالی	۴۹	۲۸	۱۹	۸
آمریکا	۲۳	۲۲	۱۲	۸
کانادا	۴۴	۴۱	۳۱	۱۶
ژاپن	۴۶	۴۰	۳۳	۲۳
مکزیک	۱۳	۱۲	۶	۲

جدول شماره ۱۰: پویایی نسل‌ها  
آیا از مذهب آرامش و تیر می‌گیرید؟

پاسخ‌های منفی جدول‌های شماره ۹ و ۱۰ مربوط به زنان و مردان است. «پراس» می‌گوید: «هنگامی که اعمال مذهبی دچار زوال می‌شود، آخرین گروه مؤمنان در مراسم عشاء ربانی بانوان مسن هستند.» تنظیم جدول مقایسه‌ای بین سن و جنس نشان‌دهندهٔ مغایرت و تضاد میان اعتقاد مردان جوان و زنان مسن است.

به‌طور خلاصه، فرای مرزهای ملی، تفاوت‌های عظیمی میان جوانان و بزرگسالان مسن وجود دارد. مفهوم واقعی این تفاوت‌ها چیست؟ دو تفسیر تئوریک امکان‌پذیر است، یکی در زمینهٔ گروه‌های سنی و دیگری در زمینهٔ نسل‌ها.

دیدگاه‌های جوانان امروزی مشابه دیدگاه‌های والدین آنان به هنگام جوانی است، بنابراین به تدریج که مسن‌تر می‌شوند همان عقاید مسن‌ترهای معاصر خود را برمی‌گزینند. در مورد دوم یعنی تأثیرپذیری نسل‌ها

ارزش‌های مذهبی در حاشیه اروپا (ایرلند، یونان، جنوب ایتالیا، مناطق شمالی پرتغال، نواحی روستایی اتریش، شمال نروژ، لهستان، رومانی، لیتونی) بیشتر از مناطق مرکزی در دوران بعد از صنعتی شدن است، جایی که جامعه به شدت دنیاگراست و دولت‌ها کلیسا را از ایفای نقش‌های سنتی در مراکز می‌مانند: مدارس، مهمانخانه، مراکز رفاه اجتماعی، اداره ثبت موالید، ازدواج‌ها، مرگ و میر، فرهنگ و مؤسسات اوقات فراغت، محروم کرده‌اند.

امروزه شور و اشتیاق کاتولیکی بیشتر در خارج از اروپا یافت می‌شود. (در مکزیک، فیلیپین و برخی کشورهای خاص آمریکای جنوبی و در ایالات متحده آمریکا). آیا خداوند قصد دارد خارج از اروپا سکنی گزیند؟

تأثیر ایدئولوژی مارکسیسم بر کاهش عقاید مذهبی در اروپای غربی چیست؟ اندازه‌گیری دقیق آن بسیار مشکل است اما این تأثیر احتمالاً بسیار محدود است. در درجه نخست حرکت‌های ضدروحانیت نباید با تبلیغات ضدمذهبی اشتباه گرفته شود. در سه کشوری که احزاب قدرتمند سوسیالیست بر آنها حکم می‌رانند (ایتالیا، فرانسه و فنلاند) دولت‌ها پس از جنگ جهانی دوم از تبلیغات ضدمذهبی خودداری کرده‌اند و حتی حرکت‌های ضدروحانیت‌گرایی را نیز مسکوت گذارده‌اند. احزاب و دولت‌هایی که فعالیت‌ها و تبلیغات ضدمذهبی را در اوایل این قرن دنبال می‌کرده‌اند (مانند سوسیال دموکرات‌ها و رادیکال‌ها) به محض جلوس بر مسند قدرت، به یک باره این تبلیغات و فعالیت‌ها را رها کرده‌اند.

این پدیده در بسیاری از مطالعات انجام شده در مناطق منتخب اروپا مشاهده شده است. مارکسیسم نیز تأثیر مقطعی در مسیحیت‌زدایی مناطق خاصی از اروپای شرقی و روسیه داشته است.

در اروپا، اخلاق مسیحی در دولت مستتر است. فلسفه ده فرمان پیامبران و فرستادگان خدا در سیستم قانون‌گذاری مدنی کل منطقه اروپا وجود دارد. با این حال در میان تحصیل‌کرده‌ترین افراد، ائتلافی‌ترین و کامل‌ترین اجتماعات و در میان جوان‌ترین اقشار جمعیت است که می‌توان افرادی را مشاهده کرد که عادت دعا کردن را از دست داده‌اند. در میان آنهاست که می‌توان افرادی را یافت که از مذهب آرامش و نیرو نمی‌گیرند و به خدای کتاب مقدس به عنوان یک معنویت والا نگاه نمی‌کنند. کاهش

ارزش‌های مذهبی در صورتی که اخلاقیات و ارزش‌های متافیزیکی دیگری جایگزین آن نشود، موجب کاهش و زوال اخلاقیات می‌شود.

بدون تردید ترس از مجازات الهی موجب می‌شود ما افراد بهتری باشیم.

\* مطلب فوق برگرفته از: *International Social Science*, September 1995 - 145, Blackwell Publishers  
Unesco است.

\* مانی دوگان مدیر تحقیق در «مرکز ملی تحقیقات علمی» پاریس و استاد علوم سیاسی در دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس، است. او همچنین ریاست کمیته جامعه‌شناسی تطبیقی در مجمع بین‌المللی جامعه‌شناسی و ریاست کمیته نخبگان سیاسی، مجمع بین‌المللی علوم سیاسی عهده‌دار است.

#### پانوشته‌ها:

1. Voltaire, Journal, September 1995, Published by Blackwell Publishers.
2. S. Acquaviva.
3. Hadaway, Marler and Chaves, 1993 p. 748
4. Charlemani.



ماه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال چهارم علوم انسانی